

بررسی افعال مرکب در گویش کلهری زبان کردی با تکیه بر آثار ادبی معاصر

طاهره افشار^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه ایلام

سروش زارعی^۲

کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه ایلام

چکیده

پژوهش پیش رو افعال مرکب را در گویش کلهری زبان کردی، با تکیه بر آثار ادبی معاصر بررسی کرده است. بررسی‌ها نشان داد که با توجه به محدودیت افعال ساده در بیان معانی مختلف، افعال مرکب و پیشوندی، این خلأ را در زبان پر می‌کنند؛ یعنی افعال ساده با ترکیب شدن با عناصر موجود در زبان از جمله اسم، صفت، قید، پیشوند و... ترکیبات واحدی را می‌سازند. این ترکیبات واحد که معانی فعلی دارند، بخش مهمی از زبان را تشکیل می‌دهند. در پژوهش حاضر ساختوازی گویش کلهری بررسی می‌شود. داده‌های پژوهش به صورت توصیفی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و برای این منظور از کتاب‌های شعر کردی و ضبط گفتار گویشوران بومی استفاده شده است؛ سپس داده‌های جمع‌آوری شده با نظریات مهمی که درباره افعال مرکب وجود دارد، مطابقت داده و تجزیه و تحلیل شدند. در کردی کلهری ترکیبات فعلی، گاهی درون‌مرکز و انباشتی و گاهی نیز خارج از خود ترکیب و به صورت برون‌مرکز و اصطلاحی، قابل تشخیص هستند؛ همچنین بررسی داده‌ها بیان‌گر این است که برخلاف زبان فارسی معیار که در آن افعال مرکب به صورت هسته پایانی هستند، در کردی، افعال مرکب می‌توانند به هر دو صورت هسته پایانی و هسته‌آغازین وجود داشته باشند. از نظر تاریخی نیز می‌توان گفت که افعال مرکب کردی همانند فارسی رو به گسترش بوده و هستند.

کلیدواژه‌ها: فعل ساده، فعل مرکب، ترکیبات فعلی، گویش کلهری، آثار ادبی معاصر.

۱- مقدمه

کلمات، از مقوله‌های مختلفی تشکیل شده‌اند که دستورنویسان سنتی و زبان‌شناسان همواره کوشیده‌اند هریک از آن‌ها را از دیدگاه‌های گوناگون بررسی کنند. انوری و احمدی گیوی (۱۳۹۳ الف: ۲) معتقدند در زبان فارسی هفت نوع کلمه وجود دارد: فعل، اسم، ضمیر، صفت، قید، حرف و شبه‌جمله. از این میان فعل یکی از مقوله‌های مهم کلام است که باید به‌طور ویژه بررسی شود. وحیدیان کامیار (۱۳۹۴: ۵۶) فعل را از نظر ساختمان و اجزای تشکیل‌دهنده به سه نوع تقسیم می‌کند: ساده، پیشوندی، مرکب. طباطبایی (۱۳۸۴: ۲۰) معتقد است تعداد افعال ساده فارسی از سیصد تجاوز نمی‌کند، درحالی‌که وی بیش از سه‌هزار فعل مرکب را برمی‌شمارد. افعال ساده یا بسیط به‌علت محدودبودن نمی‌توانند به‌تنهایی از عهده تبیین همه مفاهیم برآیند؛ بنابراین، افعال مرکب و پیشوندی به‌کمک زبان می‌آیند. پژوهش روی گویش‌های مختلف از دیدگاه زبان‌شناسی، بسیار مهم است. در تقسیم‌بندی تاریخی ارانسکی^۴ (۱۳۷۸: ۱۴۷)، کردی جزو زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی محسوب می‌شود که خود، زیرشاخه زبان‌های هندوایرانی بوده و زبان‌های هندوایرانی نیز به‌نوبه خود ذیل شاخه زبان‌های هندواروپایی^۵ قرار می‌گیرند؛ پس کردی زبان است و کلهری یکی از گویش‌های زیرمجموعه آن است و افعال مرکب در آن، برخی ویژگی‌های خاص خود را دارند که در پژوهش حاضر سعی شده با تکیه بر آثار ادبی معاصر از زوایای گوناگون به آن‌ها پرداخته شود.

۲- ساختواژه و برخی مفاهیم بنیادی

ساختواژه یا چیزی که در برخی موارد بدان صرف نیز می‌گویند، به مطالعه ساختار درونی واژه اطلاق می‌شود؛ به‌عبارت دیگر، شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که به ساختار واژه‌ها در ارتباط با هریک از مباحث صوت، صرف و نحو می‌پردازد. مفاهیم گوناگونی در این شاخه قرار می‌گیرند که شناخت آن‌ها، در هنگام ورود به این شاخه ضروری است. واژه^۶ یکی از این مفاهیم است که مشکوة‌الدینی (۱۳۸۸: ۵۱) معتقد است برخلاف تکواژ، تشخیص و تعیین مرزهای آن ساده نیست و این می‌تواند دلیلی باشد بر اینکه باوجودی که زبان‌شناسان همگی در مورد واقعیت زبانی واژه، اتفاق نظر دارند؛ اما تاکنون نتوانسته‌اند تعریف جامع و دقیقی از آن ارائه دهند. واژه خود انواع مختلفی دارد؛ براساس نظر انوری و احمدی گیوی (۱۳۹۳ ب: ۷۴) واژه از نظر ساختمان به دو شکل ساده و مرکب تقسیم می‌شود. واژه

4. I. Oranskij

5. indo - european

6. word

ساده، واژه‌ای است که تنها از یک تکواژ تشکیل شده باشد و نتوان آن را به دو بخش یا بیشتر تقسیم کرد؛ مانند «آمد»، «علی»، «بد». واژه مرکب نیز واژه‌ای است که از ترکیب دو یا چند تکواژ، ساخته شده است؛ مانند «دردمند» که در این حالت، یک پایه و یک عنصر معنی‌دار ممکن است اجزای سازندهٔ واژه را تشکیل دهند.

۱-۲- انواع ساختواژه

ساختواژه را برحسب رفتار وندهای آن و پایه‌ای که وند بر آن افزوده می‌شود و همچنین روابط پایه‌ها باهم می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: ساختواژه اشتقاقی^۷ و ساختواژه تصریفی^۸. واژه‌سازی اشتقاقی، شاخه‌ای از ساختواژه است که روابط ساختواژی بین واژه‌های قاموسی را بررسی می‌کند. ساختواژه اشتقاقی، به دو بخش تقسیم می‌شود؛ اشتقاقی و ترکیبی^۹. هرگاه یک ستاک با یک وند همراه شود و در این مسیر، مقولهٔ ستاک تغییر کند، فرایند اشتقاق صورت گرفته است. اگر دو ستاک باهم ترکیب شوند تا ستاک دیگری را تولید کنند، فرایند ترکیب صورت گرفته است؛ بنابراین، واژه ترکیبی واژه‌ای است که حداقل دو ستاک را بالقوه در خود دارد و در نتیجه دو ریشه نیز دارد. ساختواژه تصریفی نیز بخشی از ساختواژه است که صیغگان^{۱۰}، بخش اصلی آن را تشکیل می‌دهد. صیغگان، یک دسته عناصر زبانی هستند که ویژگی مشترکی دارند. در ساختواژه تصریفی طبقهٔ واژه تغییر نمی‌کند، بلکه صورت‌های مختلف کلمه براساس الزامات نحوی در جمله نمایان می‌شوند. در واژه‌سازی، به‌طور معمول طبقهٔ کلمه تغییر می‌کند؛ اما با توجه به اینکه در تصریف، صورت‌های صرف‌شده تنها گونه‌های همان کلمه هستند؛ تصریف طبقهٔ کلمه را تغییر نمی‌دهد.

۳- نظریه‌های ساختواژی دربارهٔ فعل و فعل مرکب

فعل به‌مثابهٔ یکی از انواع کلمه، همواره مورد توجه دستورنویسان سنتی و زبان‌شناسان بوده است. فعل، پدیده‌ای صرفی است و می‌تواند ساخت درونی، اعم از ساخت اشتقاقی و تصریفی داشته باشد. ساخت اشتقاقی فعل در فارسی بسیار محدود است و براساس نظر ناتل خانلری (۱۳۷۸: ۴۸) تنها پنج الگوی ساختاری ساده، پیشوندی، مرکب، گروه‌واژی و ناگذر دارد. قریب و دیگران اولین کتاب دستوری زبان فارسی را به‌روش جدید برای تدریس در دبیرستان تألیف کردند؛ در جلد اول کتاب، فعل، این‌گونه

7. derivational morphology

8. inflectional morphology

9. compounding

10. paradigm

تعریف شده است: «یکی از اقسام سخن، فعل است و فعل در اصطلاح، کلمه‌ای است که دلالت کند بر حصول معنی مصدر و حدوث آن از ذاتی در یکی از زمان‌های سه‌گانه گذشته، حال و آینده.» (۱۳۷۰):

(۸۹)

دبیرمقدم (۱۳۷۶) معتقد است فعل مرکب فعلی است که ساختمان واژی آن بسیط نیست، بلکه از پیوند یک سازه غیر فعلی همچون اسم، صفت، اسم مفعول، گروه حرف اضافه‌ای یا قید با یک سازه فعلی تشکیل شده است. وی با این تحلیل تازه از فعل مرکب معتقد است چندین فرایند واژه‌سازی با درجه‌های مختلف زایایی در واژگان زبان فارسی در تشکیل فعل مرکب دخیل هستند. او این فرایندها را با دو عنوان کلی ترکیب و انضمام دسته‌بندی می‌کند. با توجه به این دیدگاه می‌توان گفت که در زیرمجموعه افعال مرکبی که به شیوه ترکیب درست شده‌اند، جزء فعلی، صورت واژی شده فعل ساده است که به‌مثابه نشانه نوع عمل ایفای نقش می‌کند. اگرچه هر دو شکل انضمامی و ترکیبی، اشکالی از فعل مرکب هستند؛ اما در انضمام یک کلمه، به‌ویژه یک فعل، با مفعول مستقیم خود ترکیبی ایجاد می‌شود که نقش نحوی اصلی خود را حفظ می‌کند.

ترکیب اگرچه مانند انضمام است، اما این تفاوت وجود دارد که در ترکیب، نقش نحوی اصلی کلمه حفظ نمی‌شود. نظریه افعال مرکب اصطلاحی^{۱۱} و انباشتی^{۱۲} را نیز ابتدا کریمی (۱۹۹۷) مطرح کرد. وی افعال مرکب را به دو بخش فعلی که شامل فعل سبک^{۱۳} و بخش غیر فعلی^{۱۴} تقسیم می‌کند و معتقد است علت زایایی و گستردگی فعل مرکب در فارسی این است که عنصر غیر فعلی در آن، نه تنها می‌تواند از مقوله‌های مختلف فارسی مانند اسم، صفت، قید و... باشد، بلکه می‌تواند از مقوله‌های مختلف زبان‌های دیگر نیز باشد؛ سپس از نظر معنایی، دو نوع فعل مرکب بالا را شناسایی و عنوان می‌کند که فعل مرکب انباشتی، فعلی است که معنای کلی آن‌ها از جمع معنای اجزاء آن‌ها قابل حصول باشد؛ اما فعل مرکب اصطلاحی، فعلی است که معنای کلی آن از جمع معنای اجزاء آن به‌دست نیاید.

۴- ترکیب^{۱۵}

یکی از روش‌های واژه‌سازی در زبان، «ترکیب» است که از نظر شقاقی (۱۳۹۳: ۹۱) عبارت است از «کنار هم گذاشتن دو یا چند واژه بسیط یا تکواژ واژگانی (آزاد یا وابسته) و تکواژ آزاد دستوری یا دو

-
11. idiomatic
 12. compositional
 13. light verb
 14. non verbal element
 15. combination

واژه غیر بسیط به منظور ساختن یک واژه جدید؛ برای مثال، کلمه «شبنم» از دو تکواژ آزاد واژگانی، «دلبند» از دو تکواژ آزاد و وابسته واژگانی، «گیرودار» از دو تکواژ وابسته واژگانی و یک تکواژ آزاد دستوری و «چهارشنبه‌سوری» از دو واژه غیر بسیط ساخته شده‌اند. از آنجاکه در فرایند ترکیب ممکن است مقوله‌های مختلفی مانند اسم، صفت، فعل و... شرکت داشته باشند، این فرایند، در واژه‌سازی گستردگی زیادی داشته و پیچیدگی‌های مختلفی نیز دارد؛ برای مثال در کلمات مرکب «بادگیر» و «باج‌گیر» اگرچه ساخت مشابهی دارند؛ اما نمی‌توان «گرفتن باج» را با «گرفتن باد» برابر دانست. یکی از انواع ترکیب، فعل مرکب است که در آن، واژه‌های سازنده فعل مرکب، با یکدیگر نقش یک فعل را بازی می‌کنند و باهم به‌مثابه واحدی واژگانی در واژگان اهل زبان ذخیره می‌شوند. زبان‌شناسان تاکنون بر سر فعل مرکب به اجماع نرسیده‌اند و به‌همین دلیل نمی‌توان به‌درستی محدوده فعل مرکب را مشخص کرد، اما به‌طور کلی می‌توان گفت فعل مرکب، فعلی است که از ترکیب فعلی بسیط و واژه‌ای دیگر ساخته می‌شود مانند «زمین خوردن»، «اجرا کردن»، «بیرون زدن»، «دوست داشتن»، «برداشتن» و «دررفتن».

۵- افعال مرکب در کردی کله‌ری

از لحاظ تاریخی آثار مکتوب چندانی درباره کردی کله‌ری موجود نیست تا بتوان مانند زبان فارسی درباره سیر نزولی افعال ساده و سیر صعودی افعال مرکب اظهار نظر کرد؛ لذا نمی‌توان گفت در قرون گذشته چه افعالی به‌صورت ساده وجود داشته که امروزه جای خود را به افعال مرکب داده‌اند. باوجود این، طی بررسی فرهنگ «خوهر هه‌لات» و شمارش و ثبت یکایک افعال ساده کردی و مقایسه با داده‌های موجود در محاورات ضبط‌شده از گویشوران بومی منطقه، تعداد ۲۵۴ فعل ساده کردی شناسایی شد که از لحاظ تعداد، بسیار به افعال ساده فارسی که تا سیصد هم ذکر شده‌اند، نزدیک است، اما طی بررسی به‌عمل آمده مشخص شد که تعداد زیادی از این افعال ساده، در زبان کردی دارای معادل مرکب در زبان فارسی هستند. برخی مثال‌ها در جدول زیر بیان شده است:

جدول (۱). برخی افعال ساده دارای معادل مرکب فارسی

معادل فعل مرکب فارسی	تلفظ	فعل ساده کردی
له کردن	/teliqanən/	تلیقانن
جیغ کشیدن	/qiʒanən/	قیژانن
خواب رفتن	/tæzijan/	ته‌زیان

به‌همین ترتیب در فارسی هم برخی افعال ساده هستند که در کردی معادل مرکب دارند؛ البته در این

میان برخی افعال نیز به‌واسطه فرایند قرض‌گیری با اندک تغییری در دستگاه آوایی مقصد به همان صورت تلفظ می‌شوند و برخی نیز می‌توانند هم معادل مرکب داشته باشند و هم به همان صورت، ساده با تغییر اندکی از نظر آوایی تلفظ شوند؛ مانند جدول زیر:

جدول (۲). برخی افعال ساده فارسی دارای معادل مرکب یا ساده

تلفظ	معادل کردی به صورت ساده	معادل کردی به صورت فعل مرکب	فعل ساده فارسی
/qyta dain/	--	قیوتا داین	بلعیدن
/tʃæspanɛn/	چەس پانن	--	چسباندن
/gɛl dain/، /tʃærxanɛn/	چەرخانن	گل داین	چرخاندن

زبان کردی مانند مثال‌های جدول زیر، همانند فارسی، تمایل دارد هنگام ورود افعال ساده قرضی که از زبان‌های دیگر وارد می‌شوند، از افعال مرکب استفاده کند.

جدول (۳). برخی افعال ساده قرضی دارای معادل مرکب کردی

واژه زبان مبدأ	تلفظ	معادل کردی به صورت افعال مرکب
fax	/faks kərdɛn/	فاکس کردن
change	/xyrd kərdɛn/	خیورد کردن
massage	/masaɔ̄ dain/	ماساژداین

خواه‌ناخواه می‌توان نتیجه گرفت زبان کردی نیز همانند فارسی در صورت قرض‌گیری از زبان‌های دیگر، آن‌ها را به صورت مرکب ترجمه می‌کند و در زبان خود به کار می‌گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد با نزدیک‌تر شدن به دوران معاصر، به کارگیری افعال مرکب فارسی در مقابل افعال ساده بیشتر به چشم می‌خورد؛ به طوری که امروزه به جای افعال ساده‌ای همچون «گشودن»، «کوشیدن» و «صرفیدن»، به ترتیب افعال مرکب «باز کردن»، «کوشش کردن» و «صرف کردن» استفاده می‌شود. همان‌گونه که در جدول زیر می‌توان دید، این روال در سیر تحول افعال ساده کردی به افعال مرکب نیز وجود دارد:

جدول (۴). تحول افعال ساده به مرکب

فعل فارسی	تلفظ	فعل کردی جدید (مرکب)	تلفظ	فعل کردی قدیم (ساده)
سوراخ کردن	/kona kərdɛn/	کۆناکردن	/sɛmanɛn/	سمانن
پاک کردن	/pak kərdɛn/	پاک کردن	/sɛʃanɛn/	سپرانن
آب کردن	/ʔaw kərdɛn/	ئاوکردن	/tawanɛn/	تاوانن
باز کردن	/wa kərdɛn/	واکردن	/tʃækənɛn/	چه‌کانن
گریه کردن	/girə kərdɛn/	گیره کردن	/giresɛn/	گیرسن
قهر کردن	/qar kərdɛn/	قار کردن	/turijan/	توریان

۶- افعال پرکاربرد کردی در ساخت فعل مرکب

یکی از عناصر سازنده فعل مرکب، عنصر فعلی است که شامل تعدادی فعل ساده و ثابت است و بیشتر فعل‌های مرکب از آن‌ها ساخته می‌شوند. در کردی، هفده مورد از این افعال ثابت استخراج شد که در جدول زیر آورده شده‌اند:

جدول (۵). افعال پرکاربرد در ساخت افعال مرکب کردی

معنای فارسی	آوانگاری	فعل کردی	ردیف
کردن	kərdən	کردن	۱
دادن	dain	داین	۲
آمدن	hatən	هاتن	۳
آوردن	hawərdən	هاوردن	۴
بردن	bərdən	بردن	۵
بستن	bəsain	به‌ساین	۶
خواستن	tuwasən	توواسن	۷
خوردن	xuwardən	خۆواردن	۸
داشتن	daftən	داشتن	۹
دیدن	din	دین	۱۰
رفتن	tʃin	چین	۱۱
بودن / شدن	bin	بین	۱۲
ساختن	sazin	سازین	۱۳
کشیدن	kiʃain	کیشاین	۱۴
گرفتن	gərdən	گردن	۱۵
گذاشتن	nain	ناین	۱۶
گذاشتن	hiʃtən	هیشتن	۱۷

۶-۱- کردن

فعل «کردن» رایج‌ترین فعل سبک است که در ساخت افعال مرکب کردی و فارسی کاربرد دارد و در همه موارد تنها نقش جزء صرفی را دارد. چنانکه در جدول زیر مشاهده می‌شود، گاهی ترکیب برخی عناصر غیر فعلی با این فعل، جانشین فعل ساده می‌شود.

جدول (۶). کاربرد فعل سبک «کردن»

معنی فارسی	تلفظ	فعل مرکب	تلفظ	فعل ساده
جیغ کشیدن	/qiʒə kərdən /	قیژه کردن	/qiʒanən/	قیژانن
ناله کردن	/nyzə kərdən /	نیوزه کردن	/nyzanən/	نیوزانن
جنگ کردن	/tʃej kərdən /	جنگ کردن	/tʃejin/	جنگین

اما ترکیبات گوناگون این فعل با دیگر کلمات از این قرار است:

الف) ترکیب با اسم

۱) منه‌ی شه‌قارته‌ی ئومید کردن (آهنگر نژاد، ۱۳۹۲: ۱۹).

/mɛnɛi ʃæqartɛi ?omid kɛrdɛn/

به‌دنبال کورسوی امید گشتن.

ب) ترکیب با صفت

۲) بیلن له ناو باخ سه‌راو لیوی وه ته‌نیا ته‌ر بکه‌م (الفتی، ۱۳۸۸: ۷).

/bilɛn læ naw baxɛ sɛraw lɛwɛ wɛ tɛnia tɛr bɛkɛm/

بگذارید در باغ سراب به‌تنهایی لبانم را تر کنم.

ج) ترکیب با صفاتی که معنی قید دارند

۳) سه‌فهر ده‌رانه گه‌ی گری له ریو من و ت وا نیه‌که‌ی (آهنگر نژاد، ۱۳۹۲: ۸).

/sɛfɛr dɛranɛgi gɛrɛ læ ry mɛnu tɛ wa nijɛkɛi/

سفر در خود را لحظه‌ای به‌روی من و تو باز نمی‌کند.

۶-۲- داین

دومین فعل سبک پرکاربرد کردی، فعل «داین» است که به دو مفهوم «زدن» و «دادن» در افعال مرکب به‌کار می‌رود. نکته مهمی که درباره این فعل باید به آن توجه کرد، این است که تنها در صورت ترکیب با اسم معنی، می‌تواند فعل مرکب بسازد؛ زیرا در صورتی که اسم ذات به‌همراه این فعل به‌کار رود، فعل ساده محسوب می‌شود؛ مانند مثال‌های زیر:

۴) وه خیونمان ئاسیاء گل دان (فعل مرکب) (قنبری، ۱۳۸۸: ۸).

/wɛ xynɛman? asiaw gɛl dan/

با خونمان آسیاب را چرخاندند.

۵) مه‌س له وارن شه‌وم نیوشی شه‌راو دانه‌س وه پین (فعل ساده) (عبادتیان، ۱۳۹۰: ۸).

/mɛs læ waranɛ ʃɛwɛm nyʃi ʃɛraw danɛs wɛ pɛ/

مست باران شب هستم گمان نکنی که شراب (اسم ذات) به من داده‌اند.

۷- افعال مرکب اصطلاحی و انباشتی

کریمی (۱۹۹۷) به این تقسیم‌بندی اشاره می‌کند و به‌تفصیل درباره آن بحث می‌کند. وی به‌نقل از

۸- باهم‌آیی^{۱۸} در فعل مرکب

باهم‌آیی اصطلاحی است که فرث^{۱۹} (۱۹۹۶) در نظریه معنایی خود مطرح کرده است. وی به‌طور کلی این پدیده زبانی را معنابیناد فرض کرد نه دستوری و آن را برای نامیدن و مشخص کردن ترکیبات، براساس رابطه معنایی - اصطلاحی و بسامد وقوع آن‌ها در زبان، به‌کار برد. به‌نظر او همنشینی، یکی از شیوه‌های بیان معنی است. درباره افعال مرکب می‌توان گفت، برخی عناصر غیر فعلی در هر زبانی وجود دارد که تنها با یک عنصر فعلی خاص همراه می‌شوند و قواعد گزینشی^{۲۰} اجازه همراهی فعل دیگری را به آن‌ها نمی‌دهند؛ بنابراین در کردی نیز می‌توان ساخت‌ها و افعال مرکب بسیاری را یافت که عنصر غیر فعلی موجود در آن، به‌هنگام ترکیب با افعال دیگر، از این محدودیت برخوردار است به‌گونه‌ای که برخی عناصر غیر فعلی فقط با یک فعل ساده دیده شده‌اند؛ مانند مثال زیر:

فریادزدن	/qaʃ kɛrdɛn/	۱۰ الف. قال کردن
دعوا درست کردن	/qaʃow nain/	ب. قالوو ناین
قدکشیدن [برنج]	/tʃɛʃ kishain/	ج. چل کیشان
کنج عزلت گرفتن	/kɛrtʃɛgæ kɛrdɛn/	د. کر جگه کردن

در مثال‌های بالا عناصر غیر فعلی به‌گونه‌ای با افعال یادشده گره خورده‌اند که نه‌تنها نمی‌توانند با افعال دیگری همراه شوند، بلکه حتی وجود برخی از آن‌ها مانند واژه «کر جگه» در خارج از ترکیب فعل مرکب غیر قابل تصور است؛ و همان‌طور که در مثال‌های زیر دیده می‌شود، هیچ فعل دیگری نمی‌تواند با این عناصر غیر فعلی همراهی کند و ساخت‌های حاصل همگی غیر دستوری هستند.

/qaʃ gɛrdɛn/	۱۱ الف. * قال گردن
/qaʃ dain/	ب. * قال داین
/tʃɛʃ dain/	ج. * چل داین
/kɛrtʃɛgæ byn/	ه. * کر جگه بیون

۹- افعال مرکب جداشدنی و جدانشدنی

برجسته (۱۹۸۳) به تفصیل به بحث افعال مرکب پرداخته است و معتقد است تشکیل فعل مرکب در

18. collocation

19. A. Firth

20. selectional rules

زبان فارسی پدیده واژی زایا است. وی این افعال را به دو دسته جدانشدنی و جدانشدنی تقسیم می‌کند. او برای تأیید نظر خود مثال‌هایی از افعال مرکب جدانشدنی و جدانشدنی می‌آورد:

۱۲) الف. حسن از ما این تقاضا را کرد.

ب. جواد به ما این حقّه را زد.

ج. * او این نفس را زد.

د. * علی این قدم را زد.

(برجسته، ۱۹۸۳: ۲۵۸)

در مثال‌های (الف و ب) افعالی به‌مثابه شاهد برای معرفی افعال جدانشدنی آورده شده‌اند؛ در این مثال‌ها عنصر سومی، باعث جدایی عناصر اصلی افعال مرکب «تقاضا کرد» و «حقّه زد» شده است؛ اما در مثال‌های (ج و د) که در تأیید وجود افعال مرکب جدانشدنی آمده است، افعال مرکب «نفس زدن» و «قدم زدن» قابل جدا شدن نیست و اگر عنصری بین آن‌ها فاصله بیندازد، جملات غیر دستوری به‌دست خواهد آمد. با بررسی افعال مرکب کردی، از این دیدگاه می‌توان به این نتیجه رسید که در زبان کردی نیز افعال مرکب به‌صورت جدانشدنی و جدانشدنی وجود دارد، اما با ذکر مثال‌های زیر، نکات قابل توجه در این رابطه بیان می‌شوند:

(چرخاندش)	/xɛɾɛ da/	۱۳) خری دا
(بد چرخاندش)	/xɛɾɛ gæɳɛɟɛ da/	خر گه‌نینگی دا
(بلند کرد)	/hɛ:z da/	۱۴) هیژ دا
(بلندمان کرد)	/hɛ:zɛman da/	هیژمان دا
(کنج عزلت گرفته)	/kɛɾɟɛgæ kɛɾdɛ:æ/	۱۵) کرجگه کردیه
(چرا کنج عزلت گرفته؟)	/kɛɾɟɛgæ ?ɛra kɛɾdɛ:æ/	کرجگه ئرا کردیه؟
(گوش می‌دهد)	/guʃ dɛ:d/	۱۶) گوش دید
(گوش نمی‌دهد)	/guʃ niyɛɛ:d/	گوش نی دید
(جوش می‌آورد)	/ɟuʃ tiyæɾɛ/	۱۷) جوش تیه ری
(دیگر جوش نمی‌آورد)	/ɟuʃ di niæɾɛɾɛ/	جوش دی نیه تری

همان‌گونه که در مثال‌های بالا مشاهده می‌شود، افعال مرکب، با عناصر دیگری همچون صفت، ضمیر

متصل مفعولی، ضمائر پرسشی، عناصر منفی‌ساز^{۲۱} و عناصر تأکیدی^{۲۲} از هم جدا شده‌اند. اگر ساختار افعال مرکب یادشده با دقت ملاحظه شود، این نتیجه به‌دست می‌آید که تمام این افعال مرکب، هسته‌پایانی هستند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که افعال مرکب هسته‌پایانی کردی، افعال مرکب جداشدنی هستند که می‌توانند با یکی از عناصر پیش‌گفته از هم جدا شوند؛ اما در صورتی که افعال مرکب کردی، به‌صورت هسته‌آغازین ظاهر شوند، قابل جداشدن نیستند و جداسازی آن‌ها تنها با ضمائر متصل مفعولی امکان‌پذیر است؛ برای مثال:

(سرآمد)	/hatæ sær/	الف. هاته سهر
(بد سرآمد)	/hatæ gæn sær/	ب. *هاته گهن سهر
(به‌خواب می‌رود)	/tʃudæ xæw/	الف. چووده خهو
(چرا به‌خواب می‌رود)	/tʃudæ ?ɛra xæw/	ب. *چووده ترا خهو
(جلو انداخت)	/dada war/	الف. داده وهر
(ما را جلو انداخت)	/dadæmanæ wær/	ب. داده‌مانه وهر
(آب کرد)	/kærdæ ?aw/	الف. کرده ئاو
(آن‌ها را آب کرد)	/kærdæ:janæ ?aw/	ب. کرده‌یانه ئاو

۱۰- درون‌مرکز و برون‌مرکز

زبان‌شناسان گاهی هنگام بررسی ساخت‌های ترکیبی، از اصطلاحات درون‌مرکز^{۲۳} و برون‌مرکز^{۲۴} استفاده می‌کنند. ترکیب درون‌مرکز، ترکیبی است که یک هسته دارد و هسته، مرکز معنی ترکیب محسوب می‌شود و به همان طبقه لغوی ترکیب کل، تعلق دارد؛ می‌توان چنین استنباط کرد که هر ترکیبی که انباشتی هست، درون‌مرکز خواهد بود و به‌همین صورت اگر ترکیبی انباشتی نباشد، برون‌مرکز است.

(۲۲) کوله‌نجی زه‌خم ئمشه و داسه پیمه‌و (برون‌مرکز) (شبابی، ۱۳۹۳: ۷۹)

/kolændʒi zæxm ?ɛmfæw dasæ pimæw/

امشب عقرب مرا نیش زده.

(۲۳) توام ره‌وزهو بکه‌م هه‌رسو (درون‌مرکز) (آهنگر‌نژاد، ۱۳۹۲: ۸)

21. negation
22. emphatic elements
23. endocentric
24. exocentric

/tuwam rowzæw bəkæm hæɾ su/

می‌خواهم هر صبح جوانه بزدم.

(۲۴) شه‌وی سه‌د جا، ینابودوو، مریدن (شبابی، ۱۳۹۳: ۷۹)

/ʃæwɛ sæd ʔa pɛia budu mɾɛ:dɛn/

شبی صدبار متولد می‌شود و دوباره می‌میرد.

(۲۵) له رووژئی ترسم ئه‌جه‌ل به‌یه‌ئ زه‌نگ (شامی کرمانشانی، ۱۳۶۸: ۳۲)

/lə ruʒɛ tɛɾsɛm? æʔzæʔ bɛiɛ: zæŋ/

از آن روزی می‌ترسم که اجل [زنگ در خانه] را بزند.

۱۱- بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد، زبان کردی جزو زبان‌های ایرانی محسوب شده که گویش‌های گوناگونی دارد و کردی کلهری، زیرمجموعه گویش‌های کردی جنوبی است. افعال ساده، به سبب محدود بودن نمی‌توانند از عهده انتقال تمامی مفاهیم و معانی جدید برآیند؛ به همین سبب، افعال مرکب و پیشوندی که افزون بر کردی، در زبان‌های دیگر همچون انگلیسی و فارسی نیز وجود دارند، به کمک زبان آمده و در توسعه معنایی آن نقش بسزایی دارند.

در کردی، افعال مرکب گوناگونی هستند که از ترکیب فعل ساده با مقوله‌های مختلف کلام حاصل می‌آیند. برخی افعال مرکب کردی، ممکن است در زبان دیگر معادل ساده داشته باشند و برخی افعال ساده کردی نیز ممکن است در زبان دیگر معادل مرکب داشته باشند. فعل سبک «کردن» و «داین» در کردی، بیشترین کاربرد را در ساخت افعال مرکب دارند و هنگام ترکیب با افعال ساده، می‌توانند افعال مرکب با معانی مختلف، تولید کنند. افعال مرکب حاصل، از لحاظ معنایی می‌توانند برون‌مرکز یا درون‌مرکز باشند بدین معنا که مفهوم فعل مرکب می‌تواند خارج از ترکیب یا در خود ترکیب باشد. اگرچه در فارسی معیار افعال مرکب به صورت هسته‌پایانی هستند؛ اما افعال مرکب در کردی، می‌توانند به هر دو صورت هسته‌پایانی و هسته‌آغازین وجود داشته باشند؛ حتی در مواردی فعل مرکب به هیچ وجه نمی‌تواند به صورت هسته‌پایانی باشد. جابه‌جایی عناصر فعلی و غیر فعلی گاهی با تغییر معنا یا بدون تغییر معنا امکان‌پذیر است، اما در برخی موارد نیز اصلاً امکان جابه‌جایی عناصر فعل مرکب وجود ندارد.

منابع

آهنگر نژاد، جلیل (۱۳۹۲). روژ. ایلام: زانا.

- ارانسکی، یوسف میخائیلوویچ (۱۳۷۸). *زبان‌های ایرانی*. تهران: سخن.
- الفتی، علی (۱۳۸۸). *گیان*. کرمانشاه: باغ نی.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۹۳ الف). *دستور زبان فارسی ۱*. تهران: فاطمی.
- (۱۳۹۳ ب). *دستور زبان فارسی ۲*. تهران: فاطمی.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۶). فعل مرکب در زبان فارسی. *مجله زبان‌شناسی*، (۲۳ و ۲۴)، ۱-۴۶.
- شامی کرمانشانی، شاه‌مولود (۱۳۶۸). *چه‌پیکه‌گول*. تهران: سروش.
- شبابی، حامد (۱۳۹۳). *هناس*. کرمانشاه: باغ ابریشم.
- شقاقی، ویدا (۱۳۹۳). *مبانی صرف*. تهران: سمت.
- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۸۴). فعل مرکب در زبان فارسی. *نامه فرهنگستان*، ۷ (۲۶)، ۲۶-۳۴.
- عبادتیان، سعید (۱۳۹۰). *ساله‌یل له کیس چی*. تهران: همایش دانش.
- قریب، عبدالعظیم؛ جلال همایی؛ رشید یاسمی؛ ملک‌الشعراى بهار و بدیع‌الزمان فروزانفر (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی*. چاپ نهم، تهران: اشرافی.
- قنبری، مسعود (۱۳۸۸). *گورانیل‌وا*. کرمانشاه: سعادت.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۸۸). *ساخت آوایی زبان*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۸). *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: توس.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۹۴). *دستور زبان فارسی (۱)*. تهران: سمت.

- Barjasteh, D. (1983). *Morphology, Syntax and Semantics of Persian Compound Verbs: A lexicalist approach*. Urbana: University of Illinois dissertation.
- Firth, A. (1996). The discursive accomplishment of normality: on lingua franca English and conversation analysis. *Journal of pragmatics*, 26 (2), 237-259.
- Karimi, S. (1997). Persian Complex Verbs: Idiomatic or Compositional. *Lexicology*, (3), 273-318.
- Kiparsky, P. (1983). Word-formation and the lexicon. In: F. Ingemann (Ed.), *proceedings of the 1982. Mid. America linguistics conference*, (pp. 3-29). University of Kansas, Dept of linguistics.
- Nunberg, G. I. Sag, & T. Wasow (1994). *Idioms*. Cambridge: Cambridge University Press.